

آثار حقوقی و کیفری ازدواج سفید در ایران

محمد مهدی حیدری^۱، امیر محمدی^۲، سهیلا مرادی قلعه^۳

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

^۳ کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا

چکیده

یکی از مهم ترین چالش‌های عصر حاضر در جوامع مختلف خصوصاً کشور ایران، ازدواج سفید بوده، رابطه‌ای که بدون در نظر گرفتن قواعد شرعی، اسلامی و اخلاقی در حال گسترش است و اصولاً وقتی زن و مردی فقط به دلایل شخصی خودشان زیر یک سقف رفته و بدون ثبت رسمی و قانونی و حقوقی در کنار هم زندگی می‌کنند و به عبارت بهتر هم خانه می‌شوند به آن ارتباط ازدواج سفید گفته می‌شود که همواره به دلیل نداشتن ارکان ازدواج صحیح شرعی از نظر فقهی و قانونی اساساً باطل است. از منظر حقوقی ازدواج سفید منطبق با هیچ یک از نهادهای ازدواج رسمی در ایران نبوده و از منظر کیفری نیز جرم انگاری این پدیده به دلیل اصل حداقلی بودن حقوق جزا و ورود به حریم خصوصی قابل قبول نبوده و طبیعتاً وقتی قانون این ازدواج را جرم می‌داند هیچ گاه مسئولیت حقوقی و مدنی آن را نیز عهده دار نیست و با تبعات آن نیز مانند جرم برخورد خواهد کرد. قرار گرفتن این پدیده در قالب جرایم بدون بزه دیده و عدم امکان شناسایی مرتکبان، روند کشف، تعقیب، رسیدگی و مجازات را دچار مشکل می‌سازد. از دیدگاه کارشناسان، عمده دلایل گرایش افراد به این نوع رابطه، سهولت انجام عمل ازدواج سفید است که به دلیل تغییرات فرهنگی در اثر پیشرفت ارتباطات و برخورد فرهنگ‌های جوامع مختلف بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی به وجود آمده است. بنابراین در نظام حقوقی ایران، ازدواج سفید نه تنها از مشروعیت قانونی بر خوردار نیست بلکه در صورت احراز، مجازات کیفری مانند حد و تعزیر در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج سفید، همباشی، همخانگی، آزادی جنسی، نکاح معاطاتی.

مقدمه

خانواده مهم ترین رکن هر جامعه بوده و با افزایش جمعیت و پیچیدگی روابط انسان‌ها در عرصه‌های مختلف، نیاز هست که تمام رفتارها کنترل شود تا تراحم حقوق به وجود نیاید. در طول تاریخ بشری در جامعه و فرهنگ‌های مختلف، رابطه با جنس مخالف، اشکال و ابعاد متنوعی به خود گرفته و بالا رفتن سن ازدواج در سال‌های اخیر و در پی آن افزایش طلاق در خانواده‌های ایرانی، ریسک ازدواج در ایران را به شدت بالا برده است. یکی از انواع جدید و رو به گسترش آن که در سال‌های اخیر در کشورمان به خصوص در کلان شهرها شاهد آن هستیم، ازدواج سفید بوده که بهتر است آن را «هم‌باشی» یا «هم‌خانگی» که بیانگر آزادی‌های جنسی است بنامیم، پدیده‌ای که ارتباط دو جنس مخالف را خارج از عرف و ازدواج رسمی در بر می‌گیرد. ازدواج‌های سفید، بدون تعهد و برای فرار از بار مسئولیت است و هیچگونه حمایت و ضمانت قانونی برای آن‌ها وجود ندارد. از آنجا که ازدواج سفید پدیده‌ای جدید است می‌توان با سنجش نگرش افراد تا حدودی میزان شناخت آن‌ها را نسبت به این پدیده برآورد کرد. علاوه بر اینکه جوانان در فضای بازتری از روابط و آشنایی دو جنس با هم هستند و از هیجانات و احساسات زیادی برخوردارند و می‌توانند در گروه‌هایی با نگرش‌های متفاوت عضویت داشته باشند، آشنایی بیشتر آن‌ها با اینترنت و دوستانی که ممکن است خانه‌های مجردی و روابط خارج از چارچوب ازدواج داشته باشند، در نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. (رسولی، ۱۴۰۰، ۵۲) از دیدگاه حقوقی و از منظر قانون ازدواج سفید جرم بوده و از نظر شرعی نیز گناه محسوب شده و از سوی خانواده و نهادهای اجتماعی نیز پذیرفته شده نمی‌باشد. بنابراین می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. هرچند که ممکن است ارضای عاطفی و جنسی را به دنبال داشته باشد، اما از آنجایی که این پیوند از نظر حقوقی و قانونی در ایران هیچ جایگاهی ندارد به محض آشکار شدن این نوع رابطه‌ها، خانواده‌ها با آن مخالفت می‌کنند و حمایت‌های اجتماعی نیز از زوجین برداشته می‌شود. بنابراین از جمله معضلات اخیر مطرح شده در حوزه حقوق خانواده، تهدید نهاد خانواده به واسطه پدیده ازدواج است که خود معلول عللی از جمله مشکلات اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج، مسئولیت‌گریزی و هزینه‌های ازدواج رسمی است. (مقیمی و کامرانلو، ۱۴۰۰، ۱۰۱) لذا بهتر است که با فراهم کردن شرایط اجتماعی و اقتصادی مطلوب برای جوانان و تشویق آنان به ازدواج دائم، میزان تمایل آنان را به ازدواج سفید کاهش داد و آنان را از عوارض چنین پیوندهایی دور نگه داشت. (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۵) به طور کلی ازدواج سفید آسیب‌های فراوانی از جمله کاهش شدید ازدواج رسمی و سست شدن پایه‌های خانواده‌ها، کم شدن احساس مسئولیت در افراد، کاهش میل به ازدواج، کم شدن اعتماد زوجین به هم تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان حاصل از این ارتباط، افزایش میل به طلاق و آغاز این گونه رفتارها در زوجین و مشکلات شدید روحی و روانی را به افراد، خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند. در ازدواج‌های سفید، چه ادعای نکاح اعم از دائم یا موقت وجود داشته باشد چه بدون هرگونه علقه

زوجیت، طرفین این پدیده مجرمانه به زندگی با هم بپردازند عمل، حادثه غیرقانونی و جرم بوده و برای هر مصداق از آن مجازات خاصی تعیین شده است. چه نکاح بدون ثبت باشد، چه رابطه نامشروع اعم از زنا یا مادون آن. بنابراین ازدواج سفید عملی خلاف شرع و قانون است و هیچ حمایت قانونی دریافت نمی‌کند و چه بسا در صورت کشف این روابط بسته به شرایط آن، مرتکبین با مجازات سنگینی روبرو شوند.

۱- مفهوم ازدواج سفید

ازدواج سفید، برخلاف ظاهر زیبا و فریبنده‌اش، بیانگر رابطه نامشروع، غیرقانونی و هم‌خوابی دو جنس مخالف در مکانی مشترک است. رابطه‌ای که خارج از تعهدات ازدواج بوده و دو طرف صرفاً جهت ارضای نیاز جنسی، در مسکن مشترک سکنی می‌گزینند. (مخلص و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۵) به بیان دیگر منظور از ازدواج سفید، ازدواجی است که دختر و پسر بدون تعریف رابطه خود به صورت رسمی و جاری شدن خطبه عقد دائم، زندگی مشترک خود را زیر یک سقف شروع می‌کنند. به بیان دیگر شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، با توافق دو طرفه بین زن و مرد و بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی ازدواج سفید گفته می‌شود. وجه تسمیه این نوع از ازدواج، سفید بودن شناسنامه دختر و پسر و درج نشدن نام آن‌ها در شناسنامه یکدیگر است. به عبارت دیگر، این شکل از ازدواج در محضر ثبت نمی‌شود. در نظام حقوقی و فقهی ما ازدواج سفید نه تنها از مشروعیت قانونی برخوردار نیست، بلکه در صورت احراز، مجازات کیفری نیز در پی دارد. (مینویی، ۱۳۹۳، ۲) این شکل از مناسبات بسیار اندک و کم‌شمارند، اما به دلیل تعارضات شدیدی که با مناسبات سنتی خانواده ایرانی دارند، دارای اهمیت هستند. از این رو، در این خانواده‌ها اولاً تولید نسل وجود ندارد و ثانیاً رابطه علنی و آشکار نیست. در این شکل از رابطه، افراد صرفاً تا وقتی که به یکدیگر تعلق خاطر دارند، در کنار هم می‌مانند. این شکل روابط بین دو جنس از نوع هرزگی یا روابط آزاد بی‌چارچوب نیست، چون زن و مرد در این نوع از روابط به یکدیگر تعهداتی دارند، منزلت و آبروی اجتماعی یکدیگر را حفظ می‌کنند و تا حدودی از یکدیگر حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی به عمل می‌آورند. (فاضلی، ۱۳۹۱، ۷۱) ازدواج سفید را باید پدیده‌ای غیرشرعی و غیرقانونی دانست که افزایش آن در سال‌های اخیر دامنگیر جامعه ایرانی شده که به نوعی فرار از ازدواج رسمی شرعی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت تشکیل خانواده نیز محسوب می‌شود. در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی کرده که کاملاً غیرشرعی و غیرقانونی است. این پیوند غیرقانونی و غیر رسمی که در آن طرفین تعهدی برای کنار هم ماندن ندارند حتی اگر یکی از طرفین تمایل جهت ادامه رابطه داشته باشد با عدم و رضایت طرف مقابل احتمال بر هم خوردن این سبک زندگی بسیار بالا است و عدم حمایت قانونی از این نوع وصلت عدم تعهد طرفین را دو چندان می‌کند. این زوج‌ها هیچ تعهد حمایت

مالی در برابر طرف خود ندارند و طی آمار جامعه شناسان با اینکه بیشتر توقع دارند که زندگی جنسی‌شان با وفاداری باشد اما خیانت جنسی در این روابط بسیار بیشتر از زوج های قانونی دیده می‌شود. در واقع هیچ محدودیت و یا مسئولیت پذیری رسمی و قانونی را شامل نمی‌شود در این نوع ازدواج مسئولیت‌ها و تعهدهای مالی که در نکاح دائم است هیچ انگاشته می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۴، ۵۱) بنابراین، ازدواج سفید دو معنا می‌تواند داشته باشد. معنای اول عبارتست از هم‌خانگی که ازدواج قانونی بدون ارتباط جنسی است و معنای دیگر، عبارتست از همباشی که ارتباط جنسی میان دو غیر همجنس بدون ازدواج رسمی است. معنای دوم شباهت زیادی به نکاح معاطاتی دارد. نکاح معاطاتی ازدواجی است که به منظور تشکیل خانواده و حق تمتع و رابطه جنسی میان دو جنس مخالف برقرار می‌شود، اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است. در این ازدواج ممکن است طرفین بر مهریه، نفقه و سایر حقوق بین زوجین توافق کنند. صحت این نوع ازدواج به معنای دوم از نظر شرعی و قانونی وابسته به صحت عقد نکاح معاطاتی است.

۲- عوامل گرایش به ازدواج سفید

ازدواج سفید به صورت پنهانی در جامعه ایران در حال گسترش است که این امر به دلایل مختلفی از جمله اجتماعی، اقتصادی، فردی، حقوقی بستگی دارد. یکی از عمده‌ترین علت‌هایی که خانواده‌ها به ازدواج سفید، تن در می‌دهند، بدین خاطر است که از بار مسئولیت خود کم کنند. در این نوع از ازدواج به خاطر اینکه هیچ کجا سندی مبنی بر زن و شوهری ثبت نشده است، به همین خاطر دختر و پسر خیلی راحت می‌توانند رابطه خود را پایان بدهند، بدون اینکه انفاقی افتاده و کسی از کسی انتظار و توقعی داشته باشد، به همین خاطر رواج پیدا کرده است. به نظر می‌رسد از جمله عواملی که می‌توان جوان‌ها را به سمت این دست از ازدواج‌ها بکشاند، علاوه بر تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام مجموعه‌ای از این عوامل هستند: ۱- تجردگرایی دختران و پسران امروزی: بر اساس آمارهای رسمی حدود سی درصد از دختران و پسران جوان در شهرهای بزرگ در منازل مجردی زندگی می‌کنند. به همین دلیل است که دهه نود به دهه تجرد گزینی نامگذاری شده است. ۲- کم‌رنگ شدن و ضعف ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی مردم به خصوص جوانان: البته توجه به این نکته مهم است که یکی از عوامل مهم ضعف ایمان و باورهای دینی افراد، کم‌رنگ شدن و یا از بین رفتن حیا در میان افراد به ویژه جوانان است. امام علی(ع) در این باره فرموده است: «الحیاء و الایمان، قرناً جمیعاً فإذا رفع احدهما رفع الاخر»، حیا و ایمان قرین یکدیگرند، اگر یکی از میان برداشته شود، دیگری هم می‌رود. ۳- سنت‌های غلط ازدواج: از جمله بالابردن مهریه، افزایش هزینه‌ها، ازدواج و در کنار آن توقعات نا به جا و تشریفات بیش از اندازه. ۴- هزینه‌های کمرشکن اقتصادی ازدواج: از جمله تسهیل و فراهم نکردن مقدمات ازدواج از سوی دولت، تورم و بیکاری. ۵- تنوع طلبی برخی از جوانان که مانع از تعهد رسمی آنان برای ازدواج می‌شود.

۶- روند رو به رشد طلاق در جامعه. ۷- الگو گرفتن برخی جوانان از برنامه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های بیگانه. بدون شک تبعات ازدواج سفید، برای دختران بسیار سخت‌تر خواهد بود؛ زیرا هیچگونه تعهد، ضمانت و مسئولیتی در آن تعریف نشده و پسران به راحتی می‌توانند رابطه خود را بر هم زنند، بی آنکه ضرر و زبانی متوجه آن‌ها شود. لذا در روابط، دختران بیشترین ضربه را خواهند دید؛ زیرا فارغ از ضربه روحی که از قطع رابطه نصیب دختر می‌شود، در فرهنگ جامعه ما وقتی دختری با یک پسر در رابطه باشد، بعد از پایان یافتن آن رابطه، کمتر کسی برای انتخاب همسر به سراغ او می‌رود و این اتفاق ضربه سنگینی بر چنین دخترانی است. حال آنکه بیشترین ضرری که ممکن است متوجه پسر شود، این است که پسر برای مدتی با مشکلات روحی مواجه شود، اما دختر زندگی‌اش را از دست می‌دهد. البته اگر بچه‌ای هم در راه باشد، در اینصورت شرایط بسیار سخت‌تر خواهد شد، ولی معمولاً در این گونه شرایط بچه‌ها بیشترین آسیب را می‌بینند. (سلطانی، ۱۳۹۱، ۲۴) دلایل اجتماعی باعث گسترش ازدواج سفید، به فرهنگ آن جامعه ارتباط مستقیم دارد و تفاوت فرهنگی باعث تفاوت در دلایل رواج آن در اجتماعات مختلف می‌شود. فرهنگ اقشار مختلف ایرانی آمیخته‌ای از فرهنگ ایران باستان و تعلیم اسلام است که با پیشرفت تمدن‌های دیگر و برخورد آن‌ها باهم از آن‌ها نیز تأثیراتی پذیرفته است. اکثر افراد در جامعه ایران مسلمان هستند و خود را مقید و پایبند به تعلیم اسلام می‌دانند. ازدواج سفید رفتاری است که دقیقاً مقابل تعلیم اسلام ایستاده و در جایی که رایج باشد یا اسلام وجود ندارد یا تأثیر بازدارندگی خود را از دست داده است. هر فرد در جامعه خود بنا به دلایلی مانند اشتغال، تحصیل، زندگی موقت یا دائم و ... مجبور به مهاجرت می‌شود. مهاجرت اشخاص مجرد و پس از آن اجبار در تهیه مسکن، وجود شرایط سخت برای ازدواج قانونی و سهولت در انجام ازدواج سفید باعث ترویج آن می‌شود.

۳- پیامدهای ازدواج سفید

امروزه در خانواده و جامعه تغییرات بسیار زیادی صورت گرفته که بخش بزرگی از آن معلول تغییرات فرهنگی، اقتصادی در سال‌های اخیر بوده است. از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش تحصیلات دختران و ورود به عرصه‌های اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق، شکاف نسلی میان فرزندان و والدین و بنابراین تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف و پیدایش اشکال جدیدی از خانواده از جمله مسئله ازدواج سفید پرداخت. این تغییر و تحولات به تدریج زمینه‌های تغییرات از خانواده‌های سنتی به خانواده مدرن شده که خواه یا ناخواه تغییرات بنیادین نیز در کارکردهای آن ایجاد شده است. امروزه بیشترین تغییرات در حوزه‌های نام برده شده مربوط به خانواده‌های طبقات مرفه، گروه‌های روشنفکری می‌باشد. یکی از انواع روابط جنسی که منجر به شیوع خانواده‌های تک والدی می‌شود، ازدواج سفید می‌باشد. این گونه ازدواج‌ها خطرات و پیامدهایی از جمله افزایش روابط نامشروع، فرار از مسئولیت و ... دارد که بنیان خانواده و اجتماع را دچار مشکل می‌کند، به خصوص که

این پیامدها بیشتر قشر زنان را تحت تأثیر قرار داده و زندگی آنان را مختل می‌سازد. (مخلصی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۴) اغلب کودکانی که در خانواده‌های مادر سرپرست زندگی می‌کنند، ناگزیرند که به لحاظ عدم حضور پدر، با چالش‌های مالی و درگیری‌های آن مواجه شوند. این گونه کودکان، غالباً آفت از زندگی نرمال و استاندارد یا درگیری با فقر شدید را تجربه می‌کنند. آن‌ها اغلب از قدرت بیان ضعیف، دسترسی محدود به تحصیلات و بارداری زودرس رنج می‌برند، این شرایط نتیجه فقدان درآمد کافی و همچنین عدم حضور پدر در خانواده است. در ازدواج سفید سه حالت را می‌توان تصور کرد و هر سه حالت هم فاقد یک یا چند رکن هستند: در حالت اول طرفین بدون قصد ازدواج اقدام به همبازی می‌کنند؛ در حالت دوم گرچه به قصد ازدواج اقدام به همبازی می‌کنند، لیکن ایجاب و قبول لفظی وجود ندارد (برخی این قسم را همان نکاح معاطاتی می‌دانند)؛ و در حالت سوم نیز گرچه هم قصد و هم لفظ وجود دارد، اما سایر ارکان ازدواج شرعی مثل اذن پدر برای دختر باکره یا ذکر مهر و مدت در ازدواج موقت وجود ندارد. (نصرتی و همکاران، ۱۴۰۰، ۸۹) زنان و مردان شکست خورده از ازدواج سفید نوعاً به دلیل تجربه تلخ و ناموفق گذشته، بعد از این رابطه تمایل کمتری برای تشکیل خانواده به صورت رسمی و قانونی داشته که نتیجه مستقیم آن کاهش روزافزون نرخ ازدواج و به تبع آن افزایش سن ازدواج می‌باشد. همچنین ناپایداری ذاتی این ازدواج، فقدان احساس تعهد و تعلق برای درازمدت از عوامل اساسی کاهش تمایل به فرزند آوری در این قبیل روابط می‌باشد. ناپایداری ذاتی ازدواج سفید به جای احساس رضایت، تنش را در افراد افزایش می‌دهد. ترس از شناخته شدن و برچسب خوردن همواره موجی از احساس عدم امنیت را برای این گونه افراد به ارمغان می‌آورد. نامشروع بودن ازدواج سفید، به محدودیت و کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و خانوادگی اکثریت این افراد منجر می‌شود که پیامد غیرقابل اجتناب آن انزوای اجتماعی می‌باشد. طبیعت موقت و غیررسمی ازدواج سفید سرمایه‌گذاری در این رابطه و حمایت کردن را برای خانواده دو طرف هم سخت‌تر می‌کند. والدین، خواهر و برادرها و دوستان دو طرف تمایل بسیار کمتری برای شناخت طرف مقابل و شرکت دادن او در فعالیت‌ها، مراسم‌های خانوادگی و معاملات مالی خواهند داشت. والدین معمولاً زمانی روی طرف مقابل فرزندشان سرمایه‌گذاری احساسی و مالی می‌کنند که بدانند رابطه آن‌ها طولانی مدت خواهد بود. حتی سعی می‌کنند به فرزندان که از چنین روابطی به وجود می‌آیند هم دلبستگی چندانی پیدا نکنند. زیرا با بر هم خوردن رابطه فرزندشان، ارتباط آن‌ها با نوه‌شان هم نامعلوم خواهد شد. (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ۱۵۳) فشارها و تنش‌های روانی که عموماً افراد را درگیر می‌کند از دیگر پیامدهای ازدواج سفید است. سلامت روانی در زوج‌هایی که ازدواج سفید نموده در مقایسه با آن‌هایی که ازدواج رسمی انجام داده بسیار ضعیف‌تر است. این زوج‌ها به مراتب افسرده‌تر بوده و سطح رضایت از زندگی بسیار پایین‌تری نیز دارند. اینکه زندگی آن‌ها ممکن است خیلی زود بر هم بخورد، فشار عصبی سنگینی هم بر مرد و هم زن خواهد داشت و به همین دلیل است که علائم افسردگی به شدت در این افراد به چشم می‌خورد. فرزندان نامشروع حاصل از ازدواج سفید دارای

مشکلاتی نظیر عدم دستیابی کافی به تحصیلات، اعتماد به نفس ضعیف، اضطراب های روحی، ارتکاب به جرم و یا تکرار جرم، استعمال مواد مخدر و ارتکاب به تجاوز، زودرسی در حالات جنسی، ارتکاب جرائم بزرگ سالانه و افسردگی می باشند. همچنین اقدام به خودکشی نوعاً در میان فرزندان حاصل از رابطه نامشروع بسیار بیشتر به چشم می خورد. لذا در مجموع می توان نتیجه گرفت که فرزندان حاصل از جنین روابطی باعث تحمیل هزینه های اجتماعی زیادی به جامعه می شوند. علاوه بر این، عدم تعهد و وفاداری، خیانت جنسی، وقت گذرانی و تفریحات مجردی، بروز مشکل در روابط خانوادگی و عدم پذیرش و حمایت عاطفی و مالی از طرف خانواده ها از جمله مواردی است که در ازدواج سفید بیشتر از ازدواج های رسمی گزارش می شود. روال آزمایشی، موقت و بی تعهد ازدواج سفید مانع می شود که بسیاری فواید ازدواج رسمی را برای دو طرف داشته باشد. عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این روابط، سرمایه گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطرتر می کند. از طرفی زندگی کردن با یک نفر به جای ازدواج کردن با او، جذابیت ازدواج را برای افراد کاهش می دهد و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر، احتمال موفق شدن این افراد کمتر است. (شفائی، ۱۳۸۱، ۳۳) چنین افرادی برداشت درستی از خانواده و کارکردهای آن ندارند، خیلی دیر به بلوغ فکری لازم برای تعهد و مسئولیت پذیری ازدواج می رسند و از آن می گریزند. زیرا یک الگوی موفق در مورد ازدواج و خانواده تجربه نکرده اند. تحقیقات نشان داده است زنان در چنین رابطه هایی بیش از انواع دیگر ازدواج دچار خشونت خانگی می شوند و چنین روابطی زودتر از ازدواج های رسمی و شرعی از هم می پاشد. در ازدواج سفید آنچه بسیار به چشم می آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است و از آنجا که ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرائف و پیچیدگی های خاص آن ها طراحی شده، اینگونه روابط تأثیر مخرب و فاجعه آمیزی بر ذهن و روان آن ها بر جای می گذارد. از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری های احتمالی هیچ پیش بینی ای انجام نگرفته و همین امر خود میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بدون شناسنامه و آمار سقط جنین غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می افزایشد.

۴- بطلان نکاح سفید

ازدواج سفید به مانند نکاح معاطاتی از نظر حقوقدانان و فقها باطل اعلام شده، به طوری که این مهم در فقه تحت عنوان نکاح معاطاتی مطرح بوده و آنچه درباره نکاح معاطاتی گفته شده در مورد آن نیز صدق می کند. حکم نکاح معاطاتی یکی از مباحث اجماعی بین فقهاست به نحوی که اکثریت آن ها رأی به عدم جواز آن داده اند. (افراسیابی، ۱۳۹۶، ۱۲۴) تقریباً تمام فقهای که متعرض بحث نکاح شده اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده اند. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) اظهار داشته اند: نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هر کدام محتاج عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی باشد.

(موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ۱۶۹) ایشان در ادامه تأکید می‌نمایند که مجرد رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد، در عقد نکاح کفایت نمی‌کند، از این نظر می‌توان استفاده نمود که ازدواج سفید رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند. از نظر فقهای معاصر نیز ازدواج سفید اعتباری ندارد و آنان نوع ایجاب و قبول لفظ را لازم شمرده‌اند. از نظر قانون مدنی، معاطات در عقود صحیح است و لازم نیست ایجاب و قبول لفظی باشد. ماده ۱۹۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، مثل قبض و اقباض حاصل می‌گردد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. مطابق این ماده، به غیر از موارد استثنایی، انشای معامله از طریق فعل و نه لفظ نیز ممکن است. مطابق قسمت اخیر ماده فوق معاطات صحیح است. از جمله موارد استثناء شده عقد وقف و مصداق دیگر این بخش عقد نکاح است. البته قانون مدنی در باب نکاح، میان حالت اختیار و اضطرار فرق گذاشته است. ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی وقوع نکاح را منوط الفاظ صریح می‌داند. از آنجا که در سیستم حقوقی اسلام و نظام مدنی مسلمین، نکاح قراردادی عادی و معمولی نیست و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، لذا قانونگذار صرف بیان صریح اراده طرفین و یا انجام اعمالی از سوی آنان که بیان‌کننده قصد و تراضی آنان باشد را در انعقاد قرارداد کافی ندانسته، بلکه به پیروی از فقه امامیه در انعقاد پیمان ازدواج علاوه بر اعلام توافق طرفین، اعمال ایجاب و قبول با اظهار الفاظی که صریحاً قصد و اراده طرفین بر ازدواج را آشکار و مبین نماید لازم دانسته است و به عبارت دیگر به موجب ماده فوق زوجین ناگزیرند که رابطه زوجیت و پیمان ازدواج خود را به وسیله ایجاب و قبول لفظی ایجاد و منعقد نمایند.

۵- آثار کیفری ازدواج سفید

یکی از عناوین مجرمانه‌ای که در کشور ایران، به واسطه اسلامی بودنش، مورد جرم‌انگاری و کیفرگذاری قرار گرفته، مجموعه افعال جنسی حرام است. در این راستا پدیده‌ای که در چند سال اخیر در کشور ایران رایج گشته و به طرز غیرمستقیم و در لایه های زیرین اجتماع می‌تواند امنیت روحی و روانی شهروندان را خدشه دار کند، ازدواج سفید است که در بررسی آن به نکات فراوانی از جمله تدلیس، زنا، طفل نامشروع، جرائم منافی عفت بر می‌خوریم که در تمامی این موارد قانون مجازات اسلامی دارای قوانینی خاص می‌باشد. (عبدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۲) در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی می‌نمایند. با ظهور پدیده ازدواج سفید یا همباشی در چندسال اخیر در کشور و تهدید نهاد خانواده، ارزش های دینی و اخلاقی و سلامت روحی و روانی از سوی این پدیده و برجای گذاشتن آثار و تبعات منفی حقوقی و اجتماعی هنگفت در جامعه و با توجه به اینکه رفتار اینان مطابق مواد قانون مجازات اسلامی جرم تلقی می‌شود، ضرورت پیشگیری و رفع نتایج زیان بار آن

امری حیاتی می‌باشد. (کریمی و فخاری، ۱۳۹۹، ۱۳۹) عدم ثبت ازدواج دائم یا طلاق یا رجوع در دفاتر رسمی جرمی است که به صورت ترک فعل محقق می‌شود. ازدواج سفید در ایران به عنوان پدیده‌ای مجرمانه محسوب می‌شود که دو جرم عمده را در خود جای داده و می‌تواند بنای سایر جرائم باشد: الف) عدم ایجاد علقه زوجیت بین زن و مرد (طرفین) ازدواج سفید ب) ایجاد رابطه نامشروع و زنا و جرائمی در زمره آن. ازدواج سفید از جرایم بدون بزه‌دیدة مستقیم و در بردارنده جرایم رابطه نامشروع، زنا و سقط جنین‌های غیرقانونی است. (آقایی، ۱۳۹۸، ۱۱۳) اگر صرفاً ایجاد روابط نامشروع و زنا را در نظر بگیریم در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های آن را مشاهده می‌کنیم. در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات در مبحث جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.» وجود روابط نامشروع و حتی ارتباط جنسی مادون زنا نیز در قوانین جزایی کشورمان، دارای مجازات است، حال اگر مرتکبان روابط نامشروع محصن یا غیرمحصن بوده و مرتکب جرم زنان یا مادون آن شوند با استناد به مواد ۲۲۵ و ۲۳۰، مجازات آنان تشریع شده است. همچنین ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.» در ماده ۲۳۰ قانون فوق‌الذکر آمده است: «حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، صد ضربه شلاق است.» برخی زنان و مردان مرتکب این پدیده مجرمانه نیز با ادعای جاری نمودن شفاهی صیغه دائم یا موقت، قصد سرپوش گذاشتن بر این جرم را دارند، اما از نظر قانون کشورمان، ثبت عقد دائم در دفاتر ازدواج و طلاق و سامانه ثبت اداره ثبت احوال و اسناد الزمی است. در این راستا ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.» همچنین در ماده ۲۱ قانون فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است.» در ماده ۴۹ قانون فوق‌الذکر در رابطه با مقررات کیفری مربوط به عدم ثبت واقعه نکاح مقرر شده: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

نتیجه‌گیری

نتایج و یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب است، در جامعه امروزی نوعی رابطه بین افراد با عنوان ازدواج سفید رایج گردیده که اساس و کیان خانواده را هدف گرفته و به سرعت در حال پیشرفت است. رفتاری که با آموزه‌های دینی و عرف جامعه ما ناسازگار است. مشکلات مالی جوانان در تشکیل خانواده به شکل سنتی در جامعه ایران و سخت‌گیری خانواده‌ها، الگوبرداری از کشورهای دیگر، محک زدن رابطه، آشنایی بیشتر، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی، نداشتن مسئولیت‌های سنگین که در ازدواج قانونی وجود دارد و عوامل مختلف دیگر میل به ازدواج سفید را بین افراد جامعه و خصوصاً جوانان گسترش داده است. از منظر شرع و فقها و به تبع آن از نظر حقوقی، ازدواج سفید امری مذموم، غیرشرعی و غیرقانونی است که حتی از نظر حقوق کیفری نیز جرم‌انگاری شده و از نظر ابعاد حقوقی این پدیده سبب افزایش خشونت علیه زنان، ایجاد فرزندان بدون هویت، سقط جنین، تهدید نظام خانواده و ... شده و از نظر فقهی و شرعی نیز ادله مطروحه توسط فقها و حقوقدانان خصوصاً ازدواج سفید مانند آیات قرآن، روایات، اجماع، فقدان لزوم اذن ولی، عدم رعایت تشریفات نکاح مانند جاری شدن صیغه، عدم ایجاب، عدم قبول، فقدان قصد و مانند آن، منتهی به ارائه نظریه بطلان این نوع از ازدواج گردیده که به تبع آن در حقوق مدنی و حقوق خانواده نیز مورد پذیرش قرار نگرفته است. زن در ازدواج سفید نمی‌تواند درخواست ثبت واقعه ازدواج خود را بخواهد. نه نفقه‌ای به او تعلق می‌گیرد و نه مالک مهریه می‌شود. فرزندان متولد از این رابطه نامشروع هستند و مشمول قواعد ارث نمی‌شوند. زن نمی‌تواند از بیمه مرد استفاده کند. در ازدواج سفید هیچ چیز نمی‌تواند باعث پابندی طرفین به این رابطه باشد. هر زمانی، هر یک از طرفین می‌تواند پایان دهنده به این رابطه شود و نمی‌توان آن را مورد تعقیب قرارداد و به جرم ترک انفاق از او شکایت کرد. از آنجایی که فارغ از ممنوعیت شرعی و حقوقی، ازدواج سفید به عنوان یک پدیده اجتماعی در سطح جامعه اتفاق می‌افتد باید نسبت به آن واکنش مطلوب حقوقی رخ دهد، زیرا این اقدام دارای تبعات حقوقی از جمله ارث، نسب، فرزندان نامشروع و ... است. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای پیشگیری و جلوگیری از ازدواج سفید، پیش از هرگونه ممنوعیت حقوقی و یا وضع کیفر و مجازات، استفاده از راهکارهای فرهنگی و همین‌طور تدابیر حاکمیتی است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و همکاران (۱۳۹۱)، «هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱.
- افراسیابی، فرهنگ (۱۳۹۶)، «تأملی در حکم نکاح معاطاتی یا ازدواج سفید در فقه»، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، سال دوم، شماره ۶.

آقایی، مجید (۱۳۹۸)، «واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۱۶.

رسولی، الهام (۱۴۰۰)، «نگرش جوانان درباره ازدواج سفید»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۵۰.

رضایی، حسن (۱۳۹۴) «ازدواج سفید با هم باشی سیاه»، مجله پایش سبک زندگی، شماره ۶.

سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، ازدواج سفید یا همباشی، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۲۴.

شفائی، محسن (۱۳۸۲)، متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن، تهران: چاپ نقش جهان.

عبدی، رقیه و همکاران (۱۳۹۹)، «تحلیل جرم شناختی ازدواج سفید»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال سوم، شماره ۸.

عنایت، حلیمه و موحد، مجید (۱۳۸۳)، «زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن»، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، خانواده و زندگی شهری، تهران، انتشارات تیسرا.

کریمی، رضا علی و فخاری، فاطمه (۱۳۹۹)، «جرم شناسی ازدواج سفید با رویکرد فقه و حقوق اسلامی»، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، سال پنجم، شماره ۱۵.

مخلصی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۸)، «آثار و پیامدهای حقوقی ازدواج سفید در ایران»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده، سال اول، شماره ۱.

مقیم، مهتاب و کامرانلو، آرش (۱۴۰۰)، «بررسی اثرات و تبعات حقوقی ازدواج سفید در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به قوانین و مقررات فرانسه»، دو فصلنامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره دوم، شماره چهارم.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰) تحریرالوسیله، قم: مؤسسه دارالعلم.

مینویی، زهرا (۱۳۹۳)، بررسی ابعاد حقوقی ازدواج سفید، نشریه زنان امروز، شماره ۵.

نصرتی، علی و همکاران (۱۴۰۰)، «ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۳، شماره ۹۱.